

## مقاله پژوهشی

### بررسی مشروعیت حکومت از نگاه شهید شهیدبهرشتی و بنی‌صدر و تأثیر آن بر گفتمان انقلاب اسلامی در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی قاسم حیدری‌نیا<sup>۱</sup>، سوسن صفاوردی‌طاق<sup>۲</sup>، حجت‌الله درویش‌پور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

#### چکیده:

بررسی میان‌اندیشه‌هایی که سبب ایجاد تحولات اجتماعی-سیاسی در جوامع می‌شود، دارای اهمیت بسیاری است. این مقاله به بررسی مشروعیت حکومت از نگاه شهیدبهرشتی و بنی‌صدر می‌پردازد. تفکرات و اعمال این دو شخصیت نقش برجسته‌ای را در شکل‌دهی به گفتمان اوایل انقلاب ایفا نمود. روش پژوهش، تحلیلی اسنادی است و مشروعیت حکومت را از منظر: انتخابات، ولایت‌فقیه، روحانیت، اقتصاد، حقوق زنان، آزادی بیان و مطبوعات و منشاء مشروعیت بررسی می‌نماید. نتایج نشان داد اندیشه شهید بهشتی منبعث از اندیشه اسلامی شیعه بود و منشاء مشروعیت را، الهی و دینی می‌دانست؛ اندیشه بنی‌صدر نیز تحت تأثیر قرارداد اجتماعی غرب و اندیشه‌های سکولاریستی غرب یعنی دنیامحوری، دنیامداری و جدایی دین از سیاست بود، هر چند که پیوند خود با مفاهیم دینی را از دست نداده بود. بنی‌صدر تمامی حاکمیت یک ملت را مبتنی بر مشروعیت مردم می‌دانست. اندیشه این دو شخصیت با اینکه در مواردی با هم توافق داشتند و در مواردی با هم در تعارض بودند اما تلفیق همین اندیشه‌ها گفتمانی را شکل داد که به حکومت تازه تأسیس مشروعیت می‌بخشید، البته سهم شهیدبهرشتی در شکل دادن به این گفتمان پررنگ‌تر بود. در نهایت اندیشه‌های شهیدبهرشتی و بنی‌صدر بستر گفتمانی مناسبی برای مشروعیت بخشی به حکومت فراهم می‌آورد و این مشروعیت پایه‌های حکومت را تقویت و مستحکم می‌نمود. البته اندیشه‌های شهیدبهرشتی و بنی‌صدر در مواردی متضاد بودند ولی در موارد مشروعیت بخشی نیز هم‌راستا با هم بودند. در واقع اندیشه‌های شهیدبهرشتی و بنی‌صدر چه در وجه سیاسی و چه در وجه اقتصادی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

safavrdi.so@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

گفتمانی را شکل می‌داد که مورد رضایت اکثریت جامعه بود و این باعث می‌شد حکومت از مشروعیت بسیار عمیقی در جامعه برخوردار باشد.

**کلیدواژه:** مشروعیت حکومت، شهیدبهرستی، بنی‌صدر، گفتمان انقلاب اسلامی.

#### مقدمه:

پرداختن به مقوله انقلاب اسلامی ایران و تحولات بعد از پیروزی انقلاب، دشوارتر از پرداختن به رویدادهای سایر دوره‌های تاریخ ایران به نظر می‌رسد. دلیل این دشواری شاید عدم فاصله کافی زمانی ما با این رویداد تاریخی باشد. اما عدم بررسی دقیق و موشکافانه حوادث این دوره و همچنین عدم ارائه رویکرد تحلیلی و انتقادی به این رخدادها، دلیلی محکم‌تر می‌باشد. باید اذعان کرد که رویدادها و تحولات این مقطع از تاریخ ایران، اغلب یا مورد توصیف اغراق‌آمیز قرار گرفته و یا مورد انتقادات غیر علمی و شکننده قرار گرفته است. در بهترین شرایط، به توصیف صرف آن اکتفا شده است. اغلب آثاری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده‌اند، به چگونگی وقوع انقلاب پرداخته‌اند و یا چندین عامل را در علل وقوع انقلاب برشمرده‌اند. اما در این پژوهش، توجه محقق معطوف به تمامیت پدیده انقلاب اسلامی نبوده، بلکه مرحله خاصی از فرآیند انقلاب مدنظر است. آنچه ذهن محقق را مشغول داشته، این است که اندیشه‌های شهیدبهرستی و بنی‌صدر چه تأثیری در شکل‌دهی به گفتمان اوایل انقلاب اسلامی داشته و این گفتمان چگونه زمینه مشروعیت بخشی به حکومت تازه تأسیس را مهیا نمود؟

از دیرباز فلاسفه، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان به بحث مشروعیت حکومت و مبانی آن توجه داشته‌اند و همواره این بحث در جایگاه یکی از اساسی‌ترین مباحث فلسفه سیاسی و پژوهش‌های علمی قرار داشته است. با نگاهی به آراء و عقاید گوناگون درباره حکومت و حاکمیت می‌توان دریافت که یکی از عمده‌ترین و زیربنایی‌ترین منشاء و موضوع اختلاف و تعارض، بحث درباره مشروعیت یک نظام سیاسی است. این بحث در مورد حکومت اسلامی خیلی جدی‌تر مطرح می‌شود (برجی، ۲۰۱۱). در اندیشه سیاسی مسلمانان نیز، همواره نوع حکومت از دغدغه‌های اصلی بوده، و اندیشمندان مسلمان با وجود اختلاف نظر در برخی مبانی حکومت، در اصل ضرورت آن، بی‌هیچ تردیدی تقریباً اتفاق نظر دارند. بنابراین این مقاله در تلاش است تا به بررسی مشروعیت حکومت در اندیشه‌های شهیدبهرستی و بنی‌صدر و تأثیر آن بر گفتمان انقلاب اسلامی در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد. و به دنبال پاسخگویی به این سوال است که اندیشه‌های شهیدبهرستی و بنی‌صدر چه تأثیری بر مشروعیت حکومت و

گفتمان نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اولیه پیروزی داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ای که به آزمون گذارده شد نیز چنین است: «مشروعیت حکومت در اندیشه‌های شهیدبهبشتی منبعث از اسلام شیعی و مشروعیت حکومت در اندیشه‌های بنی‌صدر منبعث از قرارداد اجتماعی غرب و همچنین تحت تأثیر عقاید مذهبی بود و این دو اندیشه در مواقعی در تعارض و در مواقعی در توافق قرار دارند و برآیند این دو اندیشه سازنده گفتمان انقلاب در سال‌های اولیه انقلاب بود هر چند که می‌بایست اضافه کرد اندیشه‌های شهیدبهبشتی نقش بسیار پررنگتر و تأثیرگذارتری داشت».

به این ترتیب هدف محقق روشن نمودن نقش اندیشه‌های دو شخصیت تأثیرگذار اول انقلاب یعنی شهیدبهبشتی و بنی‌صدر در شکل دادن به گفتمان اوایل انقلاب است و این گفتمان چگونه زمینه‌های مشروعیت‌دهی به حکومت را فراهم نمود و اینکه پس از شهادت شهیدبهبشتی و حذف بنی‌صدر از قدرت آن گفتمان مشروعیت بخش چه سرنوشتی پیدا کرد و آیا در حال حاضر حکومت از گفتمانی برخوردار است که بر آن مشروعیت دهد یا خیر؟

ساختار مقاله را پیشینه تحقیق، مبانی نظری، بررسی اندیشه بنی‌صدر و شهیدبهبشتی و بخش آزمون فرضیه تشکیل داده و در نهایت از مباحث نتیجه‌گیری شده و راهکار ارائه می‌گردد.

#### چهارچوب مفهومی پژوهش

##### مشروعیت حکومت

واژه مشروعیت در فرهنگ سیاسی غرب مترادف با قانون است، چرا که آن چیزی مشروع است که قانونی باشد. البته می‌توان گفت: مشروعیت، دامنه وسیع‌تری از قانون دارد. امر مشروع باید بر حقوق مردم و عدالت و انصاف منطبق باشد. پیدایش و بقای حکومت و قدرت سیاسی در یک نظام اجتماعی به مشروعیت قدرت حاکم است (دلدار و همکاران، ۲۰۲۰: ۵). مشروعیت از ریشه شرع گرفته شده است (کریمی‌والا و برازنده‌سفیدان، ۲۰۱۶: ۳). در فلسفه سیاسی، مشروعیت به معنای حق و حکومت و لزوم تبعیت دیگران آمده است، مشروعیت دو جز دارد: (۱) به معنای حق حکومت و (۲) به معنای لزوم تبعیت دیگران. در این جا مشروعیت به معنای حقانیت (حق حکومت و لزوم متابعت دیگران) و در مقابل غضب قرار گرفته و منظور از حکومت نامشروع حکومت غاصب است (قلی‌زاده و الهی‌راد، ۲۰۱۶: ۱۱۴).

همه دولت‌ها صرف‌نظر از نوع ایدئولوژی، خواهان آن هستند که دست‌کم بخش قابل توجهی از جمعیت کشور، قدرتشان را مشروع تلقی کنند. هر دولتی، که قادر به افتاح توده‌ها و مُحق جلوه دادن قدرت خود

نشود، پایدار نخواهد ماند. روسو در این باره می‌نویسد: مقتدرترین فرد هم هیچگاه تا بدان حد قوی نیست که بتواند برای همیشه آقا و فرمانروا باشد، مگر آنکه زور را به حق تبدیل کند (امیدی، ۲۰۱۱: ۲۰). مشروعیت به معنای حق اعمال قدرت است و نظریه‌های مشروعیت به دنبال پاسخ به این پرسش‌اند که قدرت دولت بر چه مبنایی و چگونه به حق تبدیل می‌شود و چگونه یا در چه شرایطی دولت اخلاقاً مجاز به تحمیل قانون‌ها و دستورها به افراد تحت سلطه خود می‌باشد و شهروندان در چه شرایطی مکلف به اطاعت از قدرت حاکم هستند (حسینی‌زاده، ۲۰۱۵: ۲۸).

### ملاک مشروعیت حکومت

درباره ملاک مشروعیت حکومت، به چند نظریه مشهور به صورت گذرا اشاره می‌شود (صبح‌یزدی، ۱۳۸۸):

۱. نظریه قرارداد اجتماعی: این نظریه مشروعیت حکومت را از قرارداد اجتماعی می‌داند؛ بدین معنا که بین شهروندان و دولت قراردادی منعقد شده که براساس آن، شهروندان خود را ملزم به پیروی از دستورهای حکومت می‌دانند؛ در مقابل حکومت هم متعهد است که امنیت، نظم و رفاه شهروندان را فراهم سازد. در اینکه طرفین قرارداد اجتماعی چه کسانی هستند نظرات متفاوتی اظهار شده و یکی این است که یک طرف قرارداد، شهروندان هستند و طرف دیگر حاکم یا دولت. نظریه دیگر این است که بین خود شهروندان این قرارداد منعقد می‌شود.

۲. نظریه رضایت: رضایت شهروندان، معیار مشروعیت است؛ یعنی وقتی افراد جامعه به حکومتی راضی بودند اطاعت از دستورهای حکومت بر آنان لازم است. رضایت افراد باعث می‌شود آنان خود را به الزام سیاسی وارد کرده، حکومت، حق دستور دادن پیدا می‌کند.

۳. نظریه اراده عمومی: اگر همه مردم یا اکثریت آنان خواهان حاکمیت کسانی باشند، حکومت آنان مشروع می‌شود. معیار مشروعیت، خواست عمومی مردم است.

۴. نظریه عدالت: اگر حکومتی برای عدالت تلاش کند، مشروع است. عدالت، منشا الزام‌سیاسی است.

۵. نظریه سعادت یا ارزش‌های اخلاقی: مشروعیت یک حکومت در گرو آن است که حکومت برای سعادت افراد جامعه و برقراری ارزش‌های اخلاقی تلاش کند. منشا الزام‌آوری و مشروعیت، این است که حکومت به سعادت و رفاه شهروندان عمل کند.

۶. نظریه مرجعیت امر الهی یا حکومت الهی: معیار مشروعیت حکومت، حق الهی و امر اوست. حکومت دینی براساس همین نظریه است (صبح‌یزدی، ۱۳۸۸).

در مطالعات انجام شده تحقیقی یافت نشد که توامان به بررسی اندیشه بنی‌صدر و شهیدبهبشتی پیرامون مشروعیت حکومت پرداخته باشد.

ملکی (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان "مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران: تعدد تفسیرها؛ چالشها و راهکارها"، به بررسی تفسیرها؛ چالشها و راهکارهای مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در مورد نظام جمهوری اسلامی ایران این سوال قابل طرح است که مبانی مشروعیت و اطاعت‌پذیری چیست؟ فرض این است که از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) می‌توان دو نوع مشروعیت شرعی براساس نصب یا مردمی براساس انتخاب را تلقی کرد. عدم اجماع نظری در این زمینه باعث تعدد تفسیرها از مشروعیت شده و در صحنه عمل سیاسی چالش‌ها و بحران‌هایی را ایجاد نمود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، دیدگاه گفتمان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی را بررسی کرده و راه‌حل‌هایی مانند گفت‌وگو در فضای آزاد و بازی در محیط دموکراتیک را پیشنهاد نمود. در مطالعه بهبشتی (۲۰۱۸) در کتاب "هفت مقاله در شناخت اندیشه سیاسی شهیدبهبشتی"، که در برگیرنده هفت مقاله درباره اندیشه سیاسی است. و شامل هفت مقاله: «زندگی و زمانه»، «منزلت انسان در نظام سیاسی اسلام»، «ماهیت انسان: نقطه تماس نواندیشی دینی و اندیشه تجدد»، «مبانی انسان‌شناختی تربیت دینی در اندیشه مولفان کتاب‌های تعلیمات دینی»، «تقدم معرفت‌شناختی اخلاق بر دین و تاثیر آن بر دیدگاه شهیدبهبشتی درباره عدالت»، «بایسته‌های بازخوانی متن دینی از دیدگاه شهیدبهبشتی» و «شهیدبهبشتی و لیبرالیسم». نظری و همکاران (۲۰۱۶) نیز در مطالعه "آزادی ولایی؛ الگویی برای پیشرفت اسلامی ایرانی (مطالعه موردی اندیشه سیاسی شهیدبهبشتی)"، عنوان می‌کنند، یکی از مسائلی که باید در رسیدن به پیشرفت و ترقی در جامعه به درستی تبیین شود، نقش فرد و آزادی وی در جایگاه نظام ولایی است، این مقاله به این سؤال پاسخ دهد؛ رابطه آزادی و ولایت در اندیشه شهیدبهبشتی چگونه ترسیم شده؟ یافته‌ها نشان داد، شهیدبهبشتی معتقد است فرد در نظام ولایی از آزادی هدایت شده‌ای برخوردار است و نظام ولایی باید بتواند ارزش‌های انسانی را به تکامل برساند. عابدی اردکانی و عابدی (۲۰۱۵) در مطالعه "جامعه‌اسلامی و ماهیت رهبری در اندیشه سیاسی شهیدبهبشتی با تأکید بر نظریه امامت و امت"، این پرسش مطرح شده که: ماهیت رهبری جامعه اسلامی و ملزومات آن چون نقش مردم و نسبت بین مردم و رهبر، در دیدگاه آن شهید چگونه است؟ شهیدبهبشتی پاسخ به این سؤال را در چهارچوب مفهومی نظریه امامت و امت می‌جوید (فرضیه) نتایج نشان داد، شهیدبهبشتی، امامت را خط مستمری از پیامبر (ص) و معصومان (ع) تا فقها در زمان غیبت می‌داند و اینک نظام جمهوری اسلامی تجلی‌یافته، و در دو مقوله جمهوریت به نشانه

حاکمیت مردمی و اسلامیت بیانگر حاکمیت الهی ظاهر شده است به گونه‌ای که در طول و نه در عرض یکدیگرند. جلیلی مراد (۲۰۱۳) در مطالعه "بررسی تأثیر اندیشه حکومت‌داری شهیدبهبشتی بر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" به این نتیجه رسید که، اصول ناظر به نوع حکومت، ولایت‌فقیه، شوراهای حقوق ملت، حاکمیت ملی و وظایف و اختیارات قوای سه‌گانه به طور مستقیم و غیرمستقیم متأثر از تفکرات و اندیشه‌های نشأت گرفته از فقه‌اسلامی و تفکر شیعی ایشان بوده است. در مطالعه دیگر شیخانی و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی نسبت آزادی و مشروعیت در حکومت اسلامی از نگاه شهید بهبهشتی پرداختند. و عنوان نمودند، دغدغه آزادی و لزوم تعبیه مکانیسم‌های مختلف برای حفظ و گسترش آن همواره برای شهیدبهبشتی امری ضروری است و به نظر می‌رسد با توجه به این نوع نگرش، آزادی همواره در آثار ایشان نقشی پررنگ دارد و حتی از عناوین کتب وی نیز این امر مبرهن است. آنچه در این میان حائز اهمیت است اینکه از نگاه شهیدبهبشتی، آزادی هم یک ارزش فی‌نفسه دارد و هم یک ارزش ابزاری؛ تا آنجا که به مانند پلی برای دستیابی به مشروعیت عمل می‌کند. رشادتی (۲۰۰۷) نیز در مطالعه "مشروعیت حکومت و مبانی آن از نظر اسلام و غرب" عنوان نمود که، در مسأله مشروعیت به طور کلی ۴ نظر عمده وجود دارد: الف: نظریه اخلاقی که منشاء الزامات سیاسی را ارزش‌های اخلاقی می‌داند. این تفکر از سوی افلاطون ارائه شد. ب: نظریه دوم به مشروعیت زور و قدرت اعتقاد دارد، ج: دیدگاه سوم از سوی فیلسوفان مغرب زمین نظیر جان لاک و روسو ارائه شد، مشروعیت نظام سیاسی را خواست و رأی اکثریت شهروندان یک کشور د: و نهایتاً به مشروعیت الهی از دیدگاه تشیع و از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> اشاره می‌شود، که حق حکومت و الزام سیاسی را اولاً و بالذات در شأن خداوند می‌داند و ثانیاً، بالعرض به اولیاء و اوصیاء الهی تعلق می‌گیرد.

بنابراین با توجه به مطالعات ذکر شده، نوآوری این تحقیق، نخست آن است که با آنکه آثار زیادی به طور جداگانه به اندیشه بنی‌صدر و شهیدبهبشتی پرداخته‌اند، اما توأمان به اندیشه این دو شخصیت پیرامون مشروعیت حکومت نپرداخته‌اند. دوم آنکه در این مقاله، تلاش شده موارد اصلی مدنظر شهیدبهبشتی و بنی‌صدر را به صورت همسان و با عناوین یکسان با یکدیگر بررسی نماید. همچنین این پژوهش می‌تواند به عنوان منبعی مناسب برای پژوهشگرانی باشد، که در آینده به دنبال کسب اطلاعات در خصوص انقلاب و صاحب نظران ابتدای انقلاب هستند. بنابراین این پژوهش پژوهشی کاربردی می‌باشد.

روش شناسی پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از روش اسنادی استفاده شده است. داده‌های پژوهش از اظهارنظرها و مکتوبات شهید بهشتی و بنی‌صدر در روزنامه‌ها و کتاب‌های خاطرات استخراج و تحلیل گردیدند.

### بررسی دو اندیشه پیرامون مباحث مشروعیت حکومت

به منظور بررسی مشروعیت حکومت نیاز است، آن را از ابعاد مختلف ارزیابی نمود. در این مطالعه نیز مشروعیت حکومت از منظر: آزادی، انتخابات، ولایت فقیه، حقوق زنان، نقش روحانیت، دیدگاه اقتصادی، آزادی بیان و مطبوعات و منشاء مشروعیت که آیا الهی است یا مردمی بررسی گردید. طبق مطالعات انجام شده، پژوهشی یافت نشد که مشروعیت حکومت را از دو دیدگاه مختلف و هشت منظر متفاوت بررسی نموده باشد. پرداختن به موضوع آزادی به این دلیل است که، حقوق انسان، در اسلام از این اصل بنیادین اعتقادی سرچشمه می‌گیرد که انسان در ذات خود دارای کرامتی الهی و هم او خلیفه خدا در زمین و در جهان هستی است و همین امر وی را از حقوقی برخوردار می‌کند که هیچکس بر آن‌ها سلطه ندارد، یکی از این حقوق، حق مردم در تعیین سرنوشت خود و استفاده از آزادی‌هاست که همواره در منابع دینی به آن اشاره شده است (حسین‌پور، ۱۳۸۵: ۶۳). در کنار مردان و زنان، روحانیان نیز در این انقلاب سترگ نقش محوری و بنیادی داشتند و در نظام سیاسی و اجتماعی و اجرایی کشور و مشروعیت بخشیدن به حکومت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. پیرامون موضوع انتخابات نیز، امام خمینی (ره)، رای اکثریت مردم در انتخابات را عامل مشروعیت حکومت اسلامی می‌دانستند. و رأی مردم جزء العله مشروعیت است؛ بنابراین آرای مردم نقش مهمی در مشروعیت حاکمیت دارد. یکی دیگر از مباحث مهم و اساسی در هر مکتب و نظام اجتماعی در پذیرفتن یک حکومت، تبیین نقش و جایگاه حکومت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. زیرا اقتصاد با زندگی مردم و نیازهای اساسی آنان گره خورده است. در واقع بخش زیادی از بحث‌های مشروعیت و مقبولیت با کارکرد حکومت در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ارتباط است (ریبیعی و نورمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۵). همچنین پرداختن به این موضوع که، چه کسی یا کسانی حکومت کنند (ولایت فقیه)، چگونه حکومت کنند و آیا مردم موظفند از هر دستوری اطاعت کنند؛ در مشروعیت بخشیدن به یک حکومت نقشی اساسی دارد. و در نهایت اینکه یکی از موارد مهمی که می‌تواند مشروعیت یک حکومت را به خوبی نشان دهد؛ بررسی منشاء آن مشروعیت (الهی/مردمی) است. شهید بهشتی، نظام سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی را نظام امت و امامت و منشا آن را الهی می‌داند.

آزادی در اندیشه شهید بهشتی

شهیدبهبشتی معتقد است، بزرگ‌ترین شعار اسلام، آزادی است. از دید اسلام انسان تا آزاد نباشد انسان نمی‌ماند. شهید بهبهشتی با توجه به عناصر چهارگانه پویش، خودآگاهی، انتخابگری و خودسازی در انسان معتقد است آزادی انسان، آزمون بزرگی است که انسان می‌تواند با آن راه را از چاه تشخیص دهد و سرانجام از آزادی در راه نجات، خودسازی خود و جامعه سود جوید (سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌... شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهبهشتی، ۱۳۵۹/ج ۲: ۱۷۸). شهیدبهبشتی متذکر می‌شود آزادی که ستایش شده همین است که گفتیم، نه بی‌بند و باری و ضابطه‌ناپذیری و خودکامگی مطلق و...؛ این نوع آزادی‌ها در مفهوم آزادی مورد قبول اسلام نمی‌باشند. این جاست که اسلام از لیبرالیسم جدا می‌شود، زیرا اسلام نسبت به صلاح و فساد محیط اجتماعی بی‌تفاوت نیست (بهبشتی، ۲۰۰۲: ۵۲). شهیدبهبشتی بیشتر بر گرایش ذاتی به آزادی و برخورداری انسان از قوه عقل در کنار اختیار و اراده تأکید دارد (بنیاد شهیدانقلاب اسلامی، ۲۰۱۲، ۶۴-۶۵). و با استناد به قرآن مجید می‌گوید: «هیچ انسانی محکوم هیچ جبر اجتماعی نیست، ولی کیفیت و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی، روی انتخاب آگاهانه انسان اثر می‌گذارد، اما نه در حد جبر (بهبشتی، ۲۰۱۱: ۵۲). و می‌فرماید در اسلام آزادی‌های فردی، محدودیت‌های اجتماعی دارند. انسان آزاد است، اما در چهارچوب حدود الله و در چهارچوب قوانین الهی (نساج و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۶).

#### آزادی در اندیشه بنی‌صدر

از دیدگاه بنی‌صدر از جبر به آزادی راه نیست چرا که در جبر، توان تصور آزادی و نفی خویش و بدل شدن به آزادی وجود ندارد (بنی‌صدر، ۲۰۱۰: ۸۸-۸۶). بنی‌صدر در «نقد تضاد و تناقض در منطق صوری» پیرامون حدود آزادی می‌گوید: «در آزادی، لفظ حفظ و معنی ضد وجود دارد: آزادی هرکس آنجا پایان می‌پذیرد (محور اول) که آزادی دیگری از آنجا شروع می‌شود (محور دوم) این آزادی، بر پایه رابطه قوا میان دو محور، قدرت معنی یافته است. نمی‌گویند آزادی چیست. زیرا می‌دانند که مرز میان دو محور را تنها یک عامل، عامل روابط قوا پدید می‌آورد. بنابراین، آزادی قدرت فرد معنی پیدا می‌کند (بنی‌صدر، ۲۰۰۴: ۱۶).

#### حقوق زنان در اندیشه شهیدبهبشتی

شهیدبهبشتی از جمله افرادی است که بیشترین وسعت میدان عمل اجتماعی را برای زنان قائل بود و این را در عمل هم نشان می‌داد. به اصرار ایشان یک خانم به عنوان تنها نماینده زن مجلس خبرگان در فهرست کاندیداهای حزب جمهوری معرفی شد که انتخاب هم شد. ایشان اصرار داشت در دیگر ارکان حزب هم زنان حضور فعال داشته باشند. در زندگی خصوصی هم میان فرزندان دختر و پسر تفاوتی قائل



نمود (حسینی بهشتی، ۲۰۱۰: ج ۲/۹۳-۹۲). و معتقد بود زن باحجاب مسلمان باید در جامعه فعال باشد و در کنار تربیت فرزندان به فعالیت‌های اجتماعی بپردازد. از دیدگاه ایشان تنگ نظری‌های موجود پیرامون حقوق زنان در جامعه، ناشی از دیدگاه‌های تعصب‌آمیز است که ارزش زن را به عنوان انسانی فریخته و دانا نادیده می‌گیرند (حومی و جعفری، ۲۰۱۶: 53-49). ایشان هیچگاه به زن همانند جنس دوم و موظف به خانه‌داری و فرزندپروری صرف نگاه نمی‌کردند. امروزه به برکت تدوین قانون اساسی به دست ایشان و همفکرانشان، برای زنان، فضای مناسب تحصیل و آموزش ایجاد گردیده که توانسته‌اند پایه پای مردان جامعه در تخصص‌های مختلف و سطوح عالی مشغول فعالیت باشند (حومی و جعفری، ۲۰۱۶: ۵۸).

### حقوق زنان در اندیشه بنی‌صدر

در اندیشه بنی‌صدر موضوع پایه‌ای، ریشه‌دار بودن مقاومت فرهنگی در مورد حقوق زنان در ایران بود. مهدی بازرگان، در سال 1358، در دیدار با مدافعین حقوق زنان تصدیق کرد که اسلام به زنان اجازه امام جماعت شدن و قضاوت دادگستری را نداده چون زنان بیش از حد احساساتی‌اند. او همچنین ادعا کرد: "از نظر طبیعی، هیچ تساوی میان زن و مرد در خصوصیات و طرز رفتار، در توانایی‌های جسمی و اخلاقی و با استعدادهای ذاتی نیست". او کسانی را که مخالفت می‌کردند، ضدانقلاب و ضداسلام خواند (الیز، ۲۰۰۵: ۲۴-۲۲). این تفکر، تفاوتی با اظهارنظرهای بنی‌صدر نداشت. در تیر ماه ۱۳۵۹ دفتر ریاست جمهوری بنی‌صدر طی فرمانی از زنان شاغل در ادارات دولتی خواست تا در محل کارشان پوشش اسلامی به تن داشته باشند. این فرمان را یک اقدام انقلابی برای پیشبرد جمهوری اسلامی خواند (الیز، ۲۰۰۵: ۲۵).

### نقش انتخابات در اندیشه آیت‌الله بهشتی

شهید بهشتی انتخابات را در هر حالتی بر پایه رای مردم قرائت می‌کرد (حسینی بهشتی، ۲۰۱۳: ۶۸-۶۷). می‌نویسد «زمانی انتخابات یک مرحله‌ای است و یک وقت می‌گویند چند مرحله‌ای است. در جامعه‌های مکتبی، انسان‌ها اول مکتب را انتخاب می‌کنند، بعد از اینکه مکتب را انتخاب کردی به دنبال مکتب انتخابی خودت بسیاری از مسایل فرم و شکل می‌یابد، ولی اگر مکتبی را انتخاب ننماید و مجدداً روی شکل و فرم آن هم بخواهی اظهار نظر کنی با مکتبی بودن سازگار نیست. و این اصل (اصل پنجم) بیان این مکتب است و جز آن چیزی نیست (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۲۰۱۱: ۶۴-۶۱). شهید بهشتی مبنای مشروعیت مکتب و ایدئولوژی سیاسی اسلام شیعی با عنوان جمهوری اسلامی را همه‌پرسی یاددهم و دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ می‌داند که در آن ۹۸٪ درصد مردم ایران به جمهوری اسلامی رای مثبت

داده‌اند و این انتخابات مبنای نظام‌سازی سیاسی در ایران قرار گرفته است که با اصل ششم قانون اساسی نیز همراستا است (سرابندری، ۲۰۰۷: ۳۸-۳۷).

### نقش انتخابات در اندیشه بنی‌صدر

بنی‌صدر در راستای نقش انتخابات و حق مردم در آن معتقد بود، محور انتخابات باید بر سکوی سکولاریسم قرار بگیرد و ارتباط بین دین و سیاست باید کم‌رنگ‌تر شود. حکومت مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد نه از باورهای ماوراء الطبیعی، مشروعیت یک امر زمینی است و مردم هم از طریق صندوق رأی به حکومت مشروعیت می‌دهند. بنابراین انتخابات آزاد جایگاه ویژه‌ای برای مشروعیت بخشی به حکومت دارد (نیلی و کریمی، ۲۰۱۷: ۵۹-۵۸).

### نقش ولایت‌فقیه در اندیشه آیت‌الله بهشتی

بهشتی توضیح می‌دهد آرمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، علاوه بر استقلال و آزادی، ناظر به تأسیس جمهوری اسلامی است. وی می‌گوید: «فرضمان بر این است که اگر قرار است که نظام آینده ما جمهوری اسلامی باشد، در این صورت باید این نظام، رهبری و مرکز ثقل اداره‌اش بردوش کسی یا کسانی باشد که چه از نظر آگاهی به اسلام و چه التزام و مقید بودن به وظایف یک مسلمان، در تمام وظایف فردی، سیاسی، خانوادگی، اجتماعی الگو و نمونه باشد» (حسینی بهشتی، ۲۰۱۱: الف: ۵۸). براساس استدلال بهشتی و اصل پنجم قانون اساسی؛ یک جامعه و ملت مسلمان «بدان چیزی نیاز دارد که متکی به معارف اسلامی باشد» بنابراین مبانی اسلامی را در قانون اساسی لحاظ نموده و این را بدان مبتنی نمودند (فیرحی، ۲۰۲۰: ۲۳۷).

### نقش ولایت‌فقیه در اندیشه بنی‌صدر

بنی‌صدر در مورد اصل پنجم قانون اساسی پیرامون اصل ولایت‌فقیه، می‌گوید: «آن طوری که ما این اصل را می‌نویسیم قدم به قدم یک نوع استبداد را در قانون اساسی پیش می‌بریم». بنی‌صدر در تلاش بود، تا حد امکان از اختیارات ولی فقیه کاسته و بر اختیارات رئیس جمهور بیافزاید (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۲۰۱۱: ۱۱۵۲). بنی‌صدر صریحاً اعلام می‌کند: «در مجلس خبرگان تمایل شدیدی که از جانب عده‌ای اظهار می‌شود در دو زمینه است. یکی اینکه تنها خودشان باشند (روحانیون)، روشنفکر اصلاً معنی ندارد. یکی دیگر هم برداشتی که از ولایت‌فقیه می‌کنند که بیشتر می‌توان گفت ولایت‌فقیه مرادشان نیست، مسأله خدایی فقیه مدنظر ایشان است. هر چند در شماره ۱۶۴ روزنامه انقلاب اسلامی در

1358/10/22 بنی‌صدر به ولایت فقیهه رأی مثبت داده است» اما بعدها مدارکی به دست آمد که نشان می‌داد ایشان در زمان تصویب اصل پنجم در مجلس حضور نداشته و بدان رأی نداده است (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۲۰۱۱: ۱۱۵۲).

### نقش روحانیت در اندیشه آیت‌الله بهشتی

شهید بهشتی قائل به ورود روحانیت به عرصه اجتماعی و حتی سیاسی بوده است. شهید بهشتی جای روحانیون را در عرصه فرهنگ، آموزش و پرورش، دانشگاه و تدریس محفوظ می‌دانست و انقلاب فرهنگی و انقلاب اقتصادی را از وظایف این گروه تلقی می‌کرد (حسینی بهشتی، ۲۰۱۲: ۱۶۰-۱۵۹). وی معتقد بود آنچه در اسلام اصالت دارد روحانیت نیست بلکه «عالم عامل متعهد مسئول» است. و می‌فرماید: «عالم متعهد و مسئول اگر تکلیف شده از پذیرش مسئولیت ریاست سر باز می‌زند و مقدس‌سازی و مقدس‌مآبی درمی‌آورد و نه به دنبال ریاست می‌رود» (حسینی بهشتی، ۲۰۱۱: ب: ۴۳). در مجلس خبرگان اظهار داشت «ما برای این که جمهوری اسلامی مان، جمهوری اسلامی بماند باید «اجتهاد انقلابی» داشته باشیم. یعنی اجتهادی که محافظه‌کارانه نباشد، اجتهادی که با همه مسائل و با همه نهادها، با روحیه انقلابی برخورد کند» (حسینی بهشتی، ۲۰۱۲: ۱۵۷).

### نقش روحانیت در اندیشه بنی‌صدر

بنی‌صدر معتقد بود: «نباید روحانیون در کار سیاست یک دولت دخالت داشته باشند چرا که سیاست بدور از دین باید در راستای قانون از مشکل ملت بکاهد». و بیان می‌کند با گذشت بیش از صد سال از انقلاب پیشروی مشروطه، هنوز هم هدف نهایی ما دست یافتن به گونه‌ای از حکمرانی ملی همراه با لیبرالیسم سیاسی است که از قرار گرفتن ستیزندگان با ارزش‌های جهان‌نو در موقعیت رهبری مردمی پیشگیری کند (بنی‌صدر، ۲۰۱۱: ۶۴-۶۱). بنی‌صدر بر این عقیده بود که کشوری که روحانیت را در همه مقام‌ها در رأس امور قرار بدهد نمی‌تواند به مشروعیت دست یابد و در ورای آن به کشوری عرف‌پسند تبدیل می‌شود تا کشوری قانون‌مدار.

### دیدگاه اقتصادی در اندیشه شهید بهشتی

شهید بهشتی به هفت بُعد اصلی در بخش اقتصاد قانون اساسی از قبیل: مبارزه با فقر و تأمین نیازهای اساسی هر فرد در پرتو کار خلاق او، تأکید بر آزادسازی زمانی برای افراد برای رشد انسانی و تعالی معنوی و فراغت، اعتدال در مصرف و نفع اسراف، حفظ آزادی انسان در رابطه با عامل اقتصادی و رهایی انسان

از برده داری سرمایه داری خصوصی لیبرال و سرمایه داری دولتی سوسیال، تأکید بر استقلال اقتصادی، تأکید بر تکامل فنی و صنعتی و در نهایت برقراری عدل اقتصادی و ترمیم نابرابری های تاریخی و ساختاری گذشته توجه داشتند. بند نهم اصل 43 قانون اساسی به تعبیر شهید بهشتی، ضامن استقلال اقتصادی و عدالت اجتماعی در کشور است (حسینی بهشتی، ۲۰۱۲: ۵۹-۵۷). وی معتقد بود، آنچه که اقتصاد اسلامی می خواهد با آن مبارزه کند، «حاکمیت-سرمایه» است؛ خواه این حاکمیت سرمایه مربوط به اشخاص و گروه‌ها و خواه مربوط به دولت باشد. از نظر وی تنوع بخشی به محتوای کار، افزایش مهارت و ابتکار از خطوط اصلی در نظام اقتصادی باید باشد (حسینی بهشتی، ۲۰۰۹: ۲۵۵-۲۵۴).

### دیدگاه اقتصادی در اندیشه بنی صدر

بنی صدر مدعی نظریه پردازی اقتصادی بود. اندیشه وی در حیطه اقتصاد دو جزء اساسی داشت: اول تعمیم امامت و دوم اقتصاد توحیدی (بنی صدر، ۱۹۷۹: ۱۵). تعمیم امامت بیانگر اندیشه سیاسی او بود و اقتصاد توحیدی گویای نظریه اقتصاد سیاسی او. در اقتصاد سیاسی بنی صدر به جز سه بخش خصوصی، دولتی و تعاونی بخش تازه‌ای را در اقتصاد ابداع می کرد که از آن به عنوان نهاد رهبر اسلامی یا امامت یاد می کرد (بنی صدر، ۲۰۱۰: ۲۲۳). بنی صدر جمع گرا و جامعه گرا (سوسیالیست) بود و عنوان می کند: «بهترین شکل روابط این است که فرد آنچه را به دست می آورد در اختیار جمع بگذارد و از جمع به اندازه نیاز خویش بستاند» (بنی صدر، ۲۰۱۰: ۳۳۱). بنی صدر یک کمونیست تمام عیار بود که به مارکسیسم رنگ و لعاب اسلامی زده بود. بنی صدر اقتصاد آزاد را قبول نداشت و از مالکیت خصوصی فاصله می گرفت. بانکداری را زیر سوال می برد و قوانین علم اقتصاد را رد می کرد. در مقابل از اقتصادی دولتی (ولو در پوشش نام امامت) دفاع می کرد.

### منشاء مشروعیت (الهی-مردمی) در اندیشه آیت الله بهشتی

شهید بهشتی مشروعیت حکومت را مشروعیت حکومتی الهی معرفی می نماید (حسینی بهشتی، ۲۰۰۹: الف: ۵۶). شهید بهشتی در کتاب «مواضع حزب جمهوری اسلامی» می نویسد: «در یک جامعه اسلامی یک یک مردم یا لااقل اکثریت آنها آگاهانه و آزادانه اسلام را به عنوان دین و آیین زندگی فردی و اجتماعی خویش برگزیده و با این گزینش یک قرارداد اجتماعی به وجود آورده‌اند که اداره جامعه آن‌ها باید براساس اسلام باشد و همه نهادهای اجتماعی آنها باید بر پایه تعالیم اسلام باشد و این خواست آن‌ها باید بر تمام خواست های دیگرشان حاکم شود» (حسینی بهشتی، ۲۰۰۹: ب: ۳۵۴). آیت الله بهشتی، مشروعیت را در ولایت مردم می دید، یعنی، مبنای مشروعیت حکومت را الهی میدانست و برای تحقق پیدا کردن حاکمیت الهی رضایت

مردم و اکثریت هم لازم است. شهید بهشتی امامت را خط مستمری از پیامبر (ص) و معصومان (ع) تا فقها در زمان غیبت می‌داند که اینک در نظام جمهوری اسلامی تجلی یافته، و در دو مقوله‌ی جمهوریت به نشانه‌ی حاکمیت مردمی و اسلامیت بیانگر حاکمیت الهی ظاهر شده است به گونه‌ای که در طول و نه در عرض یکدیگرند (حسینی بهشتی، ۲۰۰۹: الف: ۵۶). شهید بهشتی نظام سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی را نظام امت و امامت می‌داند. شهید بهشتی شاخصه‌های این نظام را حق و عدل می‌داند؛ یعنی خصلت این نظام، عدل و انصاف و حمایت از حقوق عامه، حق خدا و خلق اوست (شیخانی و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۹-۸۷).

### منشاء مشروعیت (الهی-مردمی) در اندیشه بنی‌صدر

بنی‌صدر منشاء مشروعیت را مردمی می‌داند و معتقد بود مشروعیت باید بر مبنای اکثریت مردم ایفا شود و به همین خاطر جایگاهی سکولاریستی در میان سیاسیون وقت خود داشت. بنی‌صدر مشروعیت مردمی را بر مشروعیت الهی مقدم دانسته و معتقد بود، ملتی که پایه حکومتش را بر ستون‌های مردمی بنا نهد می‌توان در راستای اهداف همان دولت قدم بردارد و همین امر باعث می‌شود مردمی که حکومت و منشاء خود را خودشان مشخص کردند استوارتر و پایبندتر به قوانین و عرف آن دولت باشند. بنی‌صدر، نظام سیاسی را توسعه یافته می‌داند که دو قالب دولت ملت غربی تجلی یافته و مبتنی بر قرارداد اجتماعی بوده- و مشروعیت خود را فقط از آراء اکثریت کسب می‌کند (بنی‌صدر، ۲۰۰۶: ۱۶۷). در نتیجه افکار سکولاریستی بنی‌صدر می‌توان گفت، ایشان تمامی حاکمیت یک ملت را مبتنی بر مشروعیت مردمی می‌داند و معتقد بود هنگامی که منشاء مشروعیت الهی و دینی باشد سیاستمداران نمی‌توانند آنگونه که باید در حوزه اختیارات خود فعالیت کنند.

### آزادی بیان و مطبوعات در اندیشه آیت‌الله بهشتی

شهید بهشتی برای آزادی بیان حدودی تعریف می‌کند و در آن شرایط جامعه و مبانی اسلامی را در نظر می‌گیرد به همین خاطر ضمن احترام به آزادی بیان هر وقت که احساس می‌کند با دادن آزادی بیشتر ممکن است، خلل یا تعارضی با مبانی اسلامی صورت گیرد آن را محدود می‌کند (بهشتی، ۲۰۰۹: الف: ۴۰۷). بهشتی پس از پذیرش آزادی عقیده، در مورد آزادی بیان و قلم مطبوعات بر بحث دو طرفه تکیه می‌کند، اولاً به گونه‌ای که اگر مطلبی علیه اسلام مطرح شد، امکان پاسخ‌گویی افراد به صورت منطقی به آن وجود داشته باشد، ثانیاً بر برخورد منطقی و استدلالی تأکید می‌نماید (حسینی بهشتی، ۲۰۱۳: ۱۲۹). شهید بهشتی در

مورد عملکرد مسئولان نیز معتقد است: «در جامعه اسلامی باید بحث و انتقاد و اظهار نظر باز باشد تا مسئولان متوجه نقایص کار خود بشوند و به اصلاح امور بپردازند» (حسینی بهشتی، ۲۰۱۳: ۲۶۱-۲۶۰).

### آزادی بیان و مطبوعات در اندیشه بنی صدر

بنی صدر در گفت‌وگو با «جهان صنعت نیوز» در پاسخ به این پرسش که بعد از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی آیا به آزادی بیان، مطبوعات، ادیان و اندیشه، رسیده‌ایم یا خیر؟ اظهار کرد: مجلس شورای اسلامی خانه ملت نیست بلکه مجلس شورای نگهبان است. حقیقتاً به معنای واقعی کلمه آنطوری که در قانون اساسی ذکر شده مردم نمی‌توانند آزادانه به نمایندگان خودشان رای دهند. چرا که شورای نگهبان به مردم اجازه داده و می‌دهد که از بین منتخبان خود، افرادی را به عنوان نماینده انتخاب کنند. نظارت استصوابی شورای نگهبان به این معنا نیست که شورای نگهبان هرکاری که دلش می‌خواهد انجام دهد، اما متأسفانه اساس کار این شورا از مجلس هفتم تا الان به این شکل شده است (بنی صدر، ۲۰۱۱: ۳۶-۳۴). بنی صدر با بیان اینکه در رژیم پهلوی روزنامه‌ها در اختیار حکومت و ساواک بودند و به طور کلی آزادی مطبوعات وجود نداشت، تصریح کرد: بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی به هیچیک از آزادی‌هایی که جزو آرزو و آرمان مردم و طبقه روشن فکر جامعه پیش از انقلاب به حساب می‌آمدند، نرسیدیم. و وجود روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی زندانی را برای جمهوری اسلامی بیماری مهلک دانست و افزود: اگر رفتارهای تبعیض‌آمیز شورای نگهبان و قوه قضاییه برطرف نشود قطعاً کشور و نظام گرفتار خطرات جبران‌ناپذیری خواهد شد (بنی صدر، ۲۰۱۱: ۵۰).

جدول ۱. بررسی دیدگاه‌های شهید بهشتی و بنی صدر پیرامون مشروعیت حکومت

بنی صدر	شهید بهشتی	دیدگاه بررسی مشروعیت از منظر:
بنی صدر دیدگاهی منفی گرایانه نسبت به آزادی داشت یعنی آزادی را نباید به آوردن قید و	شهید بهشتی بیان می‌دارد انسان آزاد است اما در چهارچوب حدود الله و در	آزادی

<p>بندهایی محدود کرد وقتی این قید و بندها آورده شوند یعنی آزادی از بین رفته است(نساج و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۸).</p>	<p>چهارچوب قوانین الهی، در اسلام آزادی‌های فردی، محدودیت‌های اجتماعی دارند(نساج و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۶).</p>	
<p>بنی صدر با عقیده مهدی بازرگان که ادعا می‌کرد: "از نظر طبیعی، هیچ تساوی میان زن و مرد در خصوصیات و طرز رفتار، در توانایی‌های جسمی و اخلاقی و یا استعدادهای ذاتی نیست" موافق بود(الیز ساناساریان، ۲۰۰۵: ۲۴-۲۲).</p>	<p>شهیدبختی خواهان حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی بود اما به شرطی که چارچوب‌های اسلامی را رعایت نمایند(حسینی‌بختی، ۲۰۱۰: ج ۲/ ۹۳-۹۲).</p>	<p>حقوق زنان</p>
<p>وی به انتخابات آزاد معتقد بود. بنی‌صدر معتقد بود که حکومت مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد و مردم هم از طریق صندوق رأی به حکومت مشروعیت می‌دهند. بنابراین همه گروه‌ها، احزاب و تفکرات حق دارند خود را به مردم معرفی نمایند و در یک انتخابات آزاد و بی‌قید و شرط شرکت نمایند(ورعی، ۲۰۱۷: ۹۰).</p>	<p>شهید بختی بیان می‌دارد: مردم نقش مهمی در حاکمیت دارند، آرای مردم پشتوانه حکومت بوده و هیچ حکومتی نباید با توسل به زور خود را به مردم تحمیل نماید، زیرا که مشروعیت حکومت وابسته به آرای عمومی بوده و در صورت تحمیل حکومت بر مردم، کارایی و مشروعیت حکومت کاهش می‌یابد(ورعی،</p>	<p>نقش انتخابات</p>

	<p>۲۰۱۷: ۹۰).</p>	
<p>بنی‌صدر در تلاش بود، تا حد امکان از اختیارات ولی فقیه کاسته و بر اختیارات رئیس جمهور بیافزاید (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۲۰۱۱: ۱۱۵۲).</p>	<p>براساس استدلال بهشتی و اصل پنجم قانون اساسی؛ یک جامعه و ملت مسلمان «بدان چیزی نیاز دارد که متکی به معارف اسلامی باشد»</p> <p>وی می‌گوید: «فرضمان بر این است که اگر قرار است که نظام آینده ما جمهوری اسلامی باشد، در این صورت باید این نظام، رهبری و مرکز ثقل اداره‌اش بردوش کسی یا کسانی باشد که چه از نظر آگاهی به اسلام و چه التزام و مقید بودن به وظایف یک مسلمان، در تمام وظایف فردی، سیاسی، خانوادگی، اجتماعی الگو و نمونه باشد(اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۲۰۱۱: ۱۱۵۲).</p>	<p>ولایت فقیه</p>
<p>بنی‌صدر معتقد بود: «نباید روحانیون در کار سیاست یک دولت دخالت داشته باشند</p>	<p>شهید بهشتی خواهان ورود روحانیت بر عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی</p>	<p>نقش روحانیت</p>



<p>چراکه سیاست بدور از دین باید در راستای قانون از مشکل ملت بکااهد(بنی‌صدر، ۲۰۱۱: ۶۴-۶۱).</p>	<p>است چرا که حکومت اسلامی است و کسانی که متخصص اسلام هستند می‌بایست اصول اسلامی را در جامعه پیاده نمایند(حسینی‌بهبشتی، ۲۰۱۲: ۱۵۹-۱۶۰).</p>	
<p>در اقتصاد سیاسی بنی‌صدر به جز سه بخش خصوصی، دولتی و تعاونی بخش تازه‌ای را در اقتصاد ابداع می‌کرد که از آن به عنوان نهاد رهبر اسلامی یا امامت یاد می‌کرد. بنی‌صدر جمع‌گرا و جامعه‌گرا(سوسیالیست) بود و عنوان می‌کند: «بهترین شکل روابط این است که فرد آنچه را به دست می‌آورد در اختیار جمع بگذارد و از جمع به اندازه نیاز خویش بستاند(بنی‌صدر، ۲۰۱۰: ۳۳۱).</p>	<p>در زمینه اقتصادی، شهیدبهبشتی با هرگونه تمرکز سرمایه بزرگ مخالف بود حال می‌خواهد افراد باشند یا دولت. او می‌خواست که سرمایه و امکانات در سطح وسیع بین مردم پخش شود تا آنها مجبور به کارمزدی و اجیر شدن برای افراد دیگر یا دولت نشوند. بلکه با امکانات و سرمایه‌ای که در اختیار دارند با پشتکار و نوآوری خود در زمینه اقتصاد فعالیت کنند تا آن که ارزش ایجاد شده از کار هر فرد به خود او بازگردد و از برده‌داری انسان‌ها جلوگیری شود(حسینی‌بهبشتی، ۲۰۱۲: ۲۰۱۲).</p>	<p>دیدگاه اقتصادی</p>

	۵۷-۵۹).	
<p>ایشان تمامی حاکمیت یک ملت را مبتنی بر مشروعیت مردمی می‌دانست و معتقد بود هنگامی که منشاء مشروعیت الهی و دینی باشد سیاستمداران نمی‌توانند آنگونه که باید در حوزه اختیارات خود فعالیت کنند. وی مشروعیت مردمی را بر مشروعیت الهی مقدم می‌دانست (بنی‌صدر، ۲۰۰۶: ۱۶۷).</p>	<p>شهید بهشتی مشروعیت حکومت را مشروعیت حکومتی الهی معرفی می‌نماید. وی نظام سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی را نظام امت و امامت و شاخصه‌های این نظام را حق و عدل می‌داند (شیخانی و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۹-۸۷).</p>	<p>منشاء مشروعیت</p>
<p>با توجه به اینکه بنی‌صدر به آزادی منفی باور داشتند، اما دامنه وسیعی را برای آزادی بیان و مطبوعات قائل بودند و آن را در گفتمان سال‌های اول انقلاب پررنگ می‌کردند و در دوران تصدی ایشان در پست ریاست جمهوری مطبوعات از تنوع و آزادی چشمگیری برخوردار بودند (دلدار و همکاران، ۲۰۲۰: ۵).</p>	<p>شهید بهشتی برای آزادی بیان، حدودی تعریف می‌کند و در آن شرایط جامعه و مبانی اسلامی را در نظر می‌گیرد به همین خاطر ضمن احترام به آزادی بیان هر وقت که احساس می‌کند با دادن آزادی بیشتر ممکن است، خلل یا تعارضی با مبانی اسلامی صورت گیرد آن را محدود می‌کند (بهشتی، ۲۰۰۹: الف: ۴۰۷).</p>	<p>آزادی بیان و مطبوعات</p>

## نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی اندیشه‌های شهیدبهبشتی و بنی‌صدر به عنوان دو اندیشمند پیرامون مشروعیت حکومت و تأثیر آن بر گفتمان انقلاب اسلامی در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. گروه‌های مختلفی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب نقش داشتند، اما دو گرایش غالب و عمده در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب بوجود آمد، نخست گرایش ملی‌گرایانه با دیدگاهی سکولار (جدایی دین از سیاست) بود که بنی‌صدر در این گروه قرار داشت و دوم گرایش مکتبی یا خط امامی که شهیدبهبشتی متعلق به این گروه بود. بدان علت این دو شخصیت انتخاب شدند که تفکرات و اعمالشان باعث شده بود که چهره‌های برجسته و تأثیرگذار این دو جریان عمده شوند و نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به گفتمان اوایل انقلاب ایفا نمایند. فرضیه اصلی این بود که «مشروعیت حکومت در اندیشه‌های شهیدبهبشتی منبعث از اسلام شیعی بود (بهبشتی، ۲۰۰۲: ۳۳). و مشروعیت حکومت در اندیشه‌های بنی‌صدر منبعث از قرارداد اجتماعی غرب و همچنین تحت تأثیر عقاید مذهبی بود (بنی‌صدر، ۲۰۱۱: ۱۰۵). این دو اندیشه در مواقعی در تعارض و در مواقعی در توافق قرار دارند و برآیند این دو اندیشه سازنده گفتمان انقلاب در سال‌های اولیه انقلاب بود هر چند که می‌بایست اضافه کرد اندیشه‌های شهیدبهبشتی نقش بسیار پررنگتر و تأثیرگذارتری داشت». از بررسی میان این دو اندیشه می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

مشروعیت در جامعه توحیدی، غیر از مشروعیتی است که در جامعه غربی مطرح است؛ مشروعیت در بینش و تفکر سیاسی غرب و اندیشه‌های سکولاریستی چیزی غیر از مقبولیت نیست؛ چون در اینگونه نظام‌های سیاسی اجتماعی همه مشروعیت‌ها و مقبولیت‌ها اعم از قانون اساسی و انتخاب دولتمردان از رای مردم سرچشمه می‌گیرد. در حالیکه در اندیشه سیاسی اسلام مشروعیت غیر از مقبولیت است و مفهومی متفاوت از مفهوم مقبولیت را دارد. با این وجود در اندیشه سکولاریستی غرب‌گرایانه معیار و مبنای مشروعیت خواست مردم است و اگر مردم حکومتی را نخواستند آن حکومت نامشروع است؛ هر چند آن حکومت در پی مصالح مردم حرکت کند. در این بینش ملاک مشروعیت مبتنی بر رضایت و قرارداد اجتماعی و اراده عمومی همگانی مبتنی است که امروزه در انتخابات و آرا مردمی تجلی می‌یابد (حسینی و همکاران، ۲۰۱۶: ۲).

از نظر بهشتی ذات انسان با آزادی پیوند خورده و آزادی زمینه‌ساز مشروعیت در درون حکومت اسلامی است، وی معتقد است کسی که از این نوع آزادی دفاع می‌کند در حقیقت از انسان و شرافت انسانی دفاع

می‌کند. در حقیقت دفاع از آزادی جامعه، دفاع از انسان و در واقع «دفاع از کلیهٔ خواست‌ها و نیازهای اصیل انسانی» است. وی آگاهی و شناخت را شرط لازم برای وجود آزادی در جامعه معرفی می‌کند، بنابراین آزادی را نمی‌توان بر یک جامعه تحمیل نمود بلکه باید آزادی در بطن جامعه بوجود آمده و نهادینه شود، همچنین از جمله شرایط تحقق آزادی در جامعه تقویت نیروها و نهادهای معتقد به آزادی و تضعیف نهادهای استبدادی است. شهیدبهشتی بیان می‌دارد انسان آزاد است اما در چهارچوب حدود الله و در چهارچوب قوانین الهی، در اسلام آزادی‌های فردی، محدودیت‌های اجتماعی دارند. این جا است که اسلام از لیبرالیسم جدا می‌شود، زیرا اسلام نسبت به صلاح و فساد محیط اجتماعی بی‌تفاوت نیست (بهشتی، ۲۰۰۲: ۵۶).

بنی‌صدر دیدگاهی منفی‌گرایانه نسبت به آزادی داشت یعنی آزادی را نباید به آوردن قید و بندهایی محدود کرد وقتی این قید و بندها آورده شوند یعنی آزادی از بین رفته است. با توجه به اینکه بنی‌صدر به آزادی منفی باور داشتند، اما دامنه وسیعی را برای آزادی بیان و مطبوعات قائل بودند و آن را در گفتمان سال‌های اول انقلاب پررنگ می‌کردند و در دوران تصدی ایشان در پست ریاست جمهوری مطبوعات از تنوع و آزادی چشمگیری برخوردار بودند، در مقابل شهیدبهشتی ضمن تأکید بر آزادی بیان و مطبوعات برای آن قید و محدودیت ایجاد می‌کند و بیان می‌دارد در نظام اسلام محدودیت‌هایی برای آزادی بیان وجود دارد، یعنی به انسان‌ها اجازه داده نمی‌شود که مطابق میل و هوس خودشان هر جور دلشان می‌خواهد زندگی کنند. دیدگاه شهیدبهشتی در زمینه آزادی مورد قبول اکثریت جامعه ایران در اوایل انقلاب بود و به همین علت در مشروعیت بخشی به حکومت نقش مثبتی ایفا نمود. زیرا از نظر شهید بهشتی، محدودیت‌های اعمال شده توسط شریعت و قوانین اسلامی نه تنها مخل آزادی نیست، بلکه آزاد کردن بیشتر انسان است و این جز با پذیرش مفهوم آزادی حداکثری سازگار نمی‌باشد. ایشان در نهایت تحقق آزادی را بر مبنای مردم‌سالاری دینی امکان‌پذیر می‌داند (نساج و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۸).

در خصوص حقوق زنان، شهیدبهشتی خواهان حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی بود اما به شرطی که چهارچوب‌های اسلامی را رعایت نمایند. بنی‌صدر نیز از زاویه‌ای دیگر و تحت تأثیر باورهای سستی مردسالارانه ایرانی قرار داشت. وی با عقیده مهدی بازرگان که ادعا می‌کرد: "از نظر طبیعی، هیچ تساوی میان زن و مرد در خصوصیات و طرز رفتار، در توانایی‌های جسمی و اخلاقی و یا استعدادهای ذاتی نیست" موافق بود. در حال حاضر حکومت همچنان بر گفتمان ابتدایی انقلاب در خصوص زنان پافشاری می‌کند در حالی که جامعه زنان دچار تغییرات شگرف، عمیق و بنیادین شده است و خواهان

دستیابی به حقوقی برابر با مردان در عمل و نه در حرف است. زنان امروز با زنان دیروز تفاوت‌های بسیار دارند. آنها در عرصه‌های مختلف به برابری با مردها دست یافته‌اند.

در خصوص مشارکت سیاسی (انتخابات) شهیدبهنشی معتقد بود مردم نقش مهمی در حاکمیت دارند، آرای مردم پشتوانه حکومت بوده و هیچ حکومتی نباید با توسل به زور خود را به مردم تحمیل نماید، زیرا که مشروعیت حکومت وابسته به آرای عمومی بوده و در صورت تحمیل حکومت بر مردم، کارایی و مشروعیت حکومت کاهش می‌یابد. شهیدبهنشی با توجه به آموزه‌های اسلامی و با استناد به امر به معروف و نهی از منکر، نظارت و انتقاد را حق و وظیفه مردم می‌داند، اما حق نظارت و انتقاد را مشروط به حفظ اصول اساسی جمهوری اسلامی می‌داند (ورعی، ۲۰۱۷: ۹۰). از سویی دیگر بن‌صدر نیز معتقد بود که حکومت مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد و مردم هم از طریق صندوق رأی به حکومت مشروعیت می‌دهند. بنابراین همه گروه‌ها، احزاب و تفکرات حق دارند خود را به مردم معرفی نمایند. در یک انتخابات آزاد و بی‌قید و شرط شرکت نمایند. هر چند در اندیشه‌های هر دو گروه به آرای مردمی اهمیت زیادی داده می‌شود اما تجربیات تاریخی نشان داده گروه‌های مختلف پس از رسیدن به قدرت به آرای مردمی اهمیتی نمی‌دهند و در اکثریت اوقات دیدگاه‌های اولیه خود را زیر پا می‌گذارند، چنین شرایطی می‌تواند به شدت به ثبات حکومت و قدرت سیاسی آسیب جدی وارد می‌کند. همانگونه که پارتو مطرح می‌کند برای حفظ ثبات حکومت بهتر است نخبگان حکومتی راه را نه بر سایر نخبگان و نه حتی بر افراد استثنایی و با استعداد طبقات پایین نبندند تا گردش خواص روال عادی خود را داشته باشد و براحتی صورت پذیرد. نخبگان حاکم به هنگام رویارویی با سایر نخبگان و نیز خواص برآمده از توده‌ها، که می‌خواهند در گروه حاکم محدود عضو شوند، دو راه‌حل پیش روی خود دارند، یکی اینکه این گروه‌ها داوطلب را کنار گذارند همان کاری که در اوایل انقلاب انجام شد، اکثر گروه‌هایی که در اوایل انقلاب از قدرت حذف شدند عرق ملی داشتند و حکومت می‌توانست این گروه‌ها را حول محور منافع ملی متحد کند، این گروه‌ها که می‌توانستند شریکی برای انقلاب باشند، بعنوان رقیبی برای حکومت شدند. در حال حاضر نیز گروه‌های منتقد در جامعه جایگاهی ندارند و این گروه‌ها ممکن است در بستر جامعه به گروه‌های مخالف بزرگتر تبدیل شده و ثبات حکومت را به خطر بیندازند، راه‌حل دوم جذب این گروه‌ها بود، حکومت با جذب این گروه‌ها می‌تواند از نیروهای آنها در راستای پیشرفت جامعه استفاده نموده و شیوه بهتر و کارسازتری را اتخاذ نمایند. بنابراین هم اکنون نیز حکومت می‌بایست حول منافع ملی، رقبا و مستفدان را گرد هم جمع کند و حکومت، رقبا را به جای طرد، خانه‌نشینی در قدرت شریک نماید و از این طریق اصول دموکراسی و حکومت مردمی اجرا می‌شود.

در زمینه اقتصادی، شهیدبہشتی با هرگونه تمرکز سرمایه بزرگ مخالف بود حال می‌خواهد افراد باشند یا دولت. او می‌خواست که سرمایه و امکانات در سطح وسیع بین مردم پخش شود تا آنها مجبور به کارمزدی و اجیر شدن برای افراد دیگر یا دولت نشوند بلکه با امکانات و سرمایه‌ای که در اختیار دارند با پشتکار و نوآوری خود در زمینه اقتصاد فعالیت کنند تا آن که ارزش ایجاد شده از کار هر فرد به خود او بازگردد و از برده‌داری انسان‌ها جلوگیری شود. از سویی بنی‌صدر در زمینه اقتصادی دولت‌گرا بود و از بابتی تحت تأثیر کمونیسم، آنجایی که می‌گوید مهم‌ترین شکل روابط این است که فرد آنچه را به دست می‌آورد در اختیار جمع بگذارد و از جمع به اندازه نیازهای خویش بستاند، هر چند که چنین طرح‌های کمونیستی را با رنگ و لعاب اسلامی مطرح کرده باشد.

شهیدبہشتی و بنی‌صدر از نظر اقتصادی چپ‌گرا بودند و بر مساوات اقتصادی و برابری فرصت‌ها برای همه افراد و حمایت از حقوق طبقات متوسط و پایین جامعه پافشاری می‌کردند و این را می‌توان به وضوح در فضای گفتمانی اوایل انقلاب مشاهده نمود و چنین سیاست‌های اقتصادی نقش بسیار بزرگ و پررنگی در مشروعیت بخشی عمیق و همه‌جانبه به حکومت بر عهده داشتند و این سیاست‌های چپ‌گرایانه تا پایان دولت میرحسین موسوی همچنان پیگیری می‌شد. این سیاست‌های اقتصادی باعث می‌شد که نزد بخش وسیعی از جامعه، حکومت به عنوان یک دوست و یار و پشتیبان مردم پنداشته شود.

شهیدبہشتی بحث انتخابات را با بحث مکتبی بودن گره می‌زند و می‌گوید وقتی مردمی مکتبی را انتخاب کردند پس از آن بسیاری از مسائل فرم و شکل می‌یابند و اگر مجدداً بخواهی روی فرم و شکل آن هم اظهارنظر کنی با مکتبی بودن سازگار نیست. بنابراین یکی از لوازم پذیرش اسلام این است که مقام امامت امت باید به این صفت باشد بر همین اساس که رأی امامت است که به انتخاب مردم مشروعیت می‌دهد، در صورتی که بنی‌صدر چنین طرز تفکری را با انتخابات آزاد مغایر می‌داند. از نظر بنی‌صدر این انتخابات آزاد مردم است که به هر مقامی مشروعیت می‌دهد نه اینکه یک مقام بخواهد به انتخاب مردم مشروعیت ببخشد. در خصوص ولایت فقیه و نقش روحانیون در سیاست، شهیدبہشتی خواهان ورود روحانیت بر عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است چرا که حکومت اسلامی است و کسانی که متخصص اسلام هستند می‌بایست اصول اسلامی را در جامعه پیاده نمایند، در صورتی که بنی‌صدر خواهان جدایی دین از سیاست است. بنابراین روحانیون حق دخالت در سیاست را ندارند و فقط باید در حوزه دین و علمیه مشغول به کار شوند. او می‌گوید: به ملتی که بتواند دین را از سیاست جدا سازد و منشأ مشروعیت خود را، خود تعیین کند می‌تواند در تصمیم‌گیری اثربخش‌تر باشد و سرنوشت خود را شخصاً بسازد. این سخن به طور واضح نمایانگر آن است که بنی‌صدر برخلاف شهیدبہشتی مخالف آن بوده است که

روحانیون پا به عرصه سیاست و حکومت نهند و روحانیون فقط باید در حوزه دین و علمیه مشغول بکار باشند.

بنی‌صدر، نظام سیاسی را توسعه یافته می‌دانست که در قالب دولت ملت غربی تجلی یافته و مبتنی بر قرارداد اجتماعی بوده و مشروعیت خود را از آراء اکثریت کسب می‌کند. در صورتی که شهیدبهبشتی، مشروعیت را در ولایت مردم می‌دید، یعنی، مبنای مشروعیت حکومت را الهی می‌دانست و برای تحقق پیدا کردن حاکمیت الهی رضایت مردم و اکثریت هم لازم است. شهیدبهبشتی امامت را خط مستمری از پیامبر (ص) و معصومان (ع) تا فقها در زمان غیبت می‌داند که اینک در نظام جمهوری اسلامی تجلی یافته است. در واقع در تدوین قانون اساسی، چالش اساسی بر سر وجود مفهوم ولایت‌فقیه بود، بحثی که محدود به مجلس خبرگان نبوده و همه فضای اجتماعی سیاسی را درگیر کرد. بنی‌صدر مخالف اختیاراتی بود که برای ولی‌فقیه در قانون اساسی در نظر گرفته شده بود. او بیان می‌داشت ولی فقیه‌ای که بتواند جامعیت امام را داشته باشد وجود ندارد.

اندیشه‌های شهیدبهبشتی نسبت به بنی‌صدر توانست در گفتمان انقلاب اسلامی بسیار تأثیرگذارتر باشد، به ویژه اندیشه وی در مورد بحث ولایت‌فقیه که بنی‌صدر مخالف سرسخت آن بود. در بحث ولایت‌فقیه شهیدبهبشتی یکی از موثرترین افرادی بود که پذیرش ولایت‌فقیه در قانون اساسی را گنجانده و بی‌شک موثرترین اقدام وی در گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد. درباره بنی‌صدر می‌توان گفت بین تفکرات سکولاریستی و مذهبی و خواست بودن در قدرت سرگردان است و این سرگردانی به تناقضات فکری و عملی او منجر می‌شود و همین امر به شدت جایگاه او را متزلزل می‌سازد و باعث می‌شود که تفکرات و عمل او نتواند جایگاه والایی همانند شهیدبهبشتی در شکل‌دهی به عمل و گفتمان حکومت پس از انقلاب داشته باشد. البته باید این نکته را نیز اضافه نمود که فضای گفتمانی جامعه در سال‌های اول انقلاب بستر مناسبی برای اندیشه‌های شهیدبهبشتی فراهم می‌آورد، زیرا این فضای گفتمانی بیشتر در جهت گفتمانی بود که شهیدبهبشتی مدافع آن بود.

در نهایت اینکه اندیشه‌های شهیدبهبشتی و بنی‌صدر بستر گفتمانی مناسبی برای مشروعیت بخشی به حکومت فراهم می‌آورد و این مشروعیت پایه‌های حکومت را تقویت و مستحکم می‌نمود. درست است که اندیشه‌های شهیدبهبشتی و بنی‌صدر در مواردی متضاد بودند ولی در موارد مشروعیت بخشی نیز همراستا با هم بودند، برای مثال در بحث آزادی، مردم سالاری، توجه به رای اکثریت و بحث مشارکت سیاسی هر چند که بنی‌صدر به دنبال برآورده کردن حداکثری این موضوعات بود ولی شهیدبهبشتی بر آنها

قید و محدودیت وارد می‌نمود اما در نهایت شهیدبهبشتی نیز پشتیبانی کامل خود از این مفاهیم را اعلام و پیگیری می‌نمود و در واقع هر دو شخصیت به جد خواهان نهادینه کردن و توجه کردن به این موضوعات بودند هر چند که درجه حمایتشان متفاوت بود و چنین اندیشه‌هایی همراستا با گفتمان طبقه متوسط و افراد باسواد و شهرنشین بود و قسمت بزرگی از این جمعیت به حمایت از انقلاب پرداختند و یکی از ستون‌های انقلاب شدند. از سوی دیگر شهیدبهبشتی و بنی‌صدر هر دو مدافع سیاست‌های اقتصادی برابری خواهانه و مساوات‌طلبانه بودند و این گفتمان نیز به جذب طبقات کارگر و طبقات ضعیف جامعه یاری می‌رساند، و در نتیجه می‌توان گفت اندیشه‌های شهیدبهبشتی و بنی‌صدر چه در وجه سیاسی و چه در وجه اقتصادی گفتمانی را شکل می‌داد که مورد رضایت اکثریت جامعه بود و این باعث می‌شد حکومت از مشروعیت بسیار عمیقی در جامعه برخوردار باشد.

کلیت مباحثی که در نتیجه‌گیری مطرح شد در راستای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق بود که اندیشه‌های شهیدبهبشتی و بنی‌صدر چه تأثیری بر مشروعیت حکومت و گفتمان انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه پیروزی داشت؟ همان‌طور که در نتیجه‌گیری بیان شد، اندیشه‌های شهیدبهبشتی منبعث از اسلامی شیعه بود و منشاء مشروعیت را، الهی و دینی می‌دانست و اندیشه بنی‌صدر نیز تحت تأثیر قرارداد اجتماعی غرب و اندیشه‌های سکولاریستی غرب یعنی دنیامحوری، دنیامداری و جدایی دین از سیاست بود، هر چند که پیوند خود با مفاهیم دینی را از دست نداده بود. اندیشه‌های این دو شخصیت با اینکه در جاهایی با هم توافق داشتند و در جاهایی با هم تعارض داشتند ولی تلفیق همین اندیشه‌ها گفتمانی را شکل می‌داد که به حکومت تازه تأسیس مشروعیت می‌بخشید، هر چند که سهم شهیدبهبشتی در شکل دادن به این گفتمان پررنگ‌تر بود و این چارچوب در فرضیه رساله نیز بیان شده بود.

در ادامه راهکاری کلی به حکومت پیشنهاد می‌شود تا بتواند به یک مشروعیت مستحکم بر پایه مبانی فکری صحیح دست یابد. با حذف بنی‌صدر و شهادت شهیدبهبشتی به مرور و در گذر زمان آن گفتمان مشروعیت بخشی که آن‌ها مدافعش بودند کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر شد. سیاست‌های اقتصادی که در دولت‌های بعد اجرا گردید، متأسفانه بیشتر مبتنی بر نظریه‌های سرمایه‌داری بوده که این خود باعث گردید طبقات کارگر و ضعیف جامعه فشار اقتصادی بیشتری متحمل شده و به جای پیگیر بودن مفاهیمی چون آزادی و دموکراسی، درگیر نیازهای اولیه خود باشند. همچنین این سیاست اقتصادی سرمایه‌داری باعث گردید جایجایی طبقات شکل گرفته و درصد بسیاری از طبقه متوسط و افراد باسواد و شهرنشین به جای پرداختن به مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی درگیر مسائل معیشتی گردند. بنابراین جمهوری اسلامی باید به انجام اصلاحات گسترده اقدام نماید. شاید متخصصینی که به هسته اصلی حکومت در جمهوری



اسلامی مشاوره می‌دهند به این نتیجه رسیده‌اند که حکومت می‌بایست اصلاحات گسترده‌ای را جهت تأمین مشروعیت خود انجام دهد؛ ولی همزمان به هسته سخت قدرت گوشزد می‌نماید، در صورتی که این اصلاحات انجام نشوند ممکن است به موجودیت کل نظام آسیب وارد شود و شاید مثال سال‌های آخر رژیم سلطنت را گوشزد نماید که شاه در اوج قدرت بود و آن زمانی که تصمیم به اصلاحات گرفت حکومت او متلاشی شد ولی باید به چنین تفکراتی گوشزد نمود که رژیم شاه دقیقاً به این علت از بین رفت که برای مدت طولانی در مقابل اصلاحاتی که می‌بایست جهت تحکیم و ترمیم مشروعیت خود انجام می‌داد مقاومت نمود و زمانی دست به اصلاحات زد که کلاً مشروعیتش از بین رفته بود و دیگر خیلی دیر شده بود، زیرا اعتماد عمومی به رژیم از بین رفته بود.

#### فهرست منابع:

- محمد (۱۳۹۴)، «جامعه اسلامی و ماهیت رهبری در اندیشه سیاسی شهید بهبهشتی با تأکید بر نظریه امامت و امت»، پژوهش سیاست اسلامی، ۳ (۷). (به فارسی)
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۵۸)، اقتصاد توحیدی، یا اقتصاد سوسیالیستی؟، تهران، نشر بینا، چاپ اول. (به فارسی)
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۸۳)، عقل آزاد از دیدگاه فرانکفورت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی. (به فارسی)
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۸۵)، مسائل سیاسی ایران و راه حل اسلامی آن، تهران، انتشارات پیام آزادی. (به فارسی)
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۹۰)، روزها بر رئیس جمهور چگونه می‌گذرد، تهران، سازمان انتشارات و آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، جلد ۱، چاپ پنجم. (به فارسی)
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۸۹)، زندگینامه و مجموعه مقالات ابوالحسن بنی صدر، مجله اقتصادی - سیاسی، روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۲. (به فارسی)
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۹۱)، نامه های آقای بنی صدر به آقای خمینی و دیگران، فیروزه بنی صدر، نامه مورخ ۱۳۵۹/۰۶/۲۸، انتشارات انقلاب اسلامی. (به فارسی)
- بهبشتی، علیرضا (۱۳۹۷)، هفت مقاله در شناخت اندیشه سیاسی شهید بهبهشتی، تهران، نشر نهادگرا، چاپ اول. (به فارسی)
- برجی، یعقوب علی (۱۳۹۰)، ولایت فقیه در اندیشه فقها، تهران: سمت،

چاپ دوم (به فارسی)

دلدار، علی، جلالی، محمود و رئیسی، لیلا (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی مشروعیت مداخله نظامی از طریق دعوت در اسلام و غرب با تأکید بر مشروعیت مرجع دعوت کننده»، پژوهش سیاست اسلامی، ۸ (۱۷) ۰۲۸۷-۳۱۶. (به فارسی)

الیز ساناساریان (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران (قیام، انحطاط و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۹۷۹). ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران، انتشارات اختران. (به فارسی)

فیرحی، داوود (۱۳۹۹)، تحول حاکمیت و فقه حکومت اسلامی، تهران، نشر نی، جلد دوم.

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰)، گزارش تفصیلی بررسی نهایی مجلس بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجمع اسامی، جلد ۱. (به زبان فارسی)

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸)، ب، مواضع تفصیلی حزب جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات بنیاد انتشارات شهید بهشتی. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید بهشتی، تصحیح محمدرضا سربان‌دی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد دوم، چاپ دوم. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰)، الف، «حزب جمهوری اسلامی (سخنرانی‌ها، گفتگوها و نوشته‌ها)»، تهران، انتشارات روزنه. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، آزادی، آشوب و نیرو مداری، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۱)، شناخت یک ایده: خاطرات بیست‌مین سالگرد شهادت دکتر بهشتی، ویراستار الهه محبی، تهران. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، او یک ملت تنها بود، تهیه و تنظیم واحد فرهنگی بنیاد، شهید انقلاب اسلامی، تهران، جلد اول، چاپ پنجم. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸)، الف، بایدها و نبایدها، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی. (به فارسی)

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۱)، رهایی از هرج و مرج، اجبار، تهران، بوغی. (به فارسی)

حسینی، کاظم صدرا، علیرضا شیرودی، مرتضی. (۱۳۹۵)، مشروعیت تطبیقی در اندیشه سکولاریستی ایران معاصر (با تأکید بر آرای مهدی بازرگان، عبدالکریم سروش، حایری یزدی).

حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۹۵)، «تأملی در مبانی مشروعیت نظام سیاسی»، فصلنامه سیاست، ۴۸ (۲)، صص ۳۴۶-۳۲۷. (به فارسی)

هومی، هدی و جعفری، محمدحسین (۱۳۹۵)، نگرشی به مالکیت زن در اسلام، کنگره بین‌المللی جامع حقوق ایران. (به فارسی)

جلیلی، مراد (۱۳۹۲)، تأثیر اندیشه حکومت داری شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. (به فارسی)

کریمی والا محمدرضا (۱۳۹۵)، برآزنده بزرگان عتیق قاسم، منبع مشروعیت حکومت دینی بر اساس اندیشه توحیدی امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۴): ۱۲۵-۱۴۶. (به فارسی)

سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیات ... شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ۳، ص. ۱۷۸. (به فارسی)

ملکی، علی (۱۳۸۶)، «اصول مشروعیت جمهوری اسلامی ایران: تفاسیر متعدد؛ چالش‌ها و راهکارها»، تر.